

بررسی تطبیقی مفاهیم باغ ایرانی در دو سرزمین ایران و هند

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۱ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

مهرداد سلطانی

m_soltani@znu.ac.ir استادیار گروه معماری دانشگاه زنجان

مقدمه

است، این مسئله مطرح می‌شود که وجود تفاوت‌های اساسی میان میزبان جدید و پیشین در مؤلفه‌هایی همچون جهان‌بینی، فرهنگ، هنر و به‌خصوص اقلیم، باعث ایجاد تغییراتی در مفهوم باغ ایرانی شده و اصولاً میزبان جدید، ادراک متفاوتی نسبت به کل باغ ایرانی و اجزا و عناصر آن داشته است. سفر پژوهشی به هندوستان فرصتی را فراهم آورد تا پژوهشگران در مواجهه بی‌واسطه و برداشت‌های میدانی خود، وجوه مختلف باغ ایرانی ساخته‌شده در زمینه متفاوت هند را مورد بررسی قرار داده و دامنه تغییرات به‌وجودآمده در مفاهیم و شکل باغ را در مقایسه‌ای تطبیقی با نمونه‌های داخلی مورد ارزیابی قرار دهند. بر این اساس مصادیقی از باغ‌های ایرانی موجود در هند و عناصر سازنده آنها در یک رشته پژوهش‌های موازی و جداگانه مورد بررسی قرار گرفت تا در نتیجه آنها، تفکر و ادراک جدید از باغ مورد شناسایی قرار گیرد. نتایج به‌دست‌آمده میدانی از پژوهش‌های اولیه باعث شکل‌گیری یک فرضیه کلی شد که براساس آن نگرش کلی به باغ ایرانی در هند، آن‌را نه یک منظره‌پردازی طبیعت‌گرایانه، بلکه یک فضاسازی معمارانه تلقی می‌کند که زمینه نامنظم هند را نظم می‌بخشد و ساماندهی می‌کند. در ادامه و پس از تکمیل پژوهش‌ها که با استناد به منابع مکتوب همراه شده است، نتایج حاصله تحت یک نگاه واحد مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد تا ابعاد روشن‌تری از «تغییر مفاهیم باغ ایرانی در زمینه هندوستان» به دست آید.

باغ ایرانی را می‌توان یکی از بزرگترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن ایرانی به شمار آورد که در طول سالیان متمادی نماینده نوع نگاه انسان ایرانی به جهان پیرامون بوده و بخشی از هستی‌شناسی او را شکل داده است. "باغ ایرانی محصول اصیل تعامل ذهن و زندگی ایرانیان در محیط طبیعی آنان است" (منصوری، ۱۳۸۴). ادراک انسان ایرانی از باغ، ادراک او از طبیعت و حاوی سلیقه زیبایی‌شناسانه وی نسبت به عناصر این جهان و مفاهیم آنهاست. تعاملات فرهنگی و سیاسی حاکم بر جوامع بشری باعث شده است این محصول بی‌بدیل از قرن‌ها پیش مورد توجه حاکمان، هنرمندان و اهل ذوق در دیگر تمدن‌ها قرار گیرد. از این‌رو می‌توان سطوح مختلفی از تأثیرات این شیوه از باغسازی را در هنر باغسازی و منظره‌پردازی اقوام و تمدن‌های مختلف جهان شاهد بود.

"با مناقشات فرزندان تیمور، حکومت تیموریان در ایران دچار زوال شد، اما نوادگان تیمور و فرزندانش^۱، دولتی جدید در هندوستان تشکیل دادند که اروپاییان آن را مغول کبیر نامیدند" (انصاری، ۱۳۸۹). تیمور و جانشینان او علاقه زیادی به باغ ایرانی داشتند که وجود باغ‌های سمرقند گواهی بر این مدعاست. لذا پس از تسلط گورکانیان بر شبه قاره هند، باغ ایرانی به عنوان محصولی کامل همراه با حاکمان جدید وارد سرزمین هندوستان شد. حال با پذیرش این امر که باغ، پدیده‌ای آمیخته از طبیعت و فرهنگ

تحلیل یافته‌های پژوهش

چنانکه گفته شد، جنبه‌های گوناگون باغ‌های ایرانی موجود در هند در قالب یک رشته از پژوهش‌های مجزا مورد کنکاش قرار گرفت که نتایج آن به صورت مقالاتی مجزا ارائه شده است. هریک از این پژوهش‌ها تغییرات مفهومی به‌وجودآمده در این باغ‌ها را از نقطه نظر خود مورد توجه قرار داده‌اند که می‌توان چکیده‌ای از آنها را تحت یک نگرش کلی و مشترک به صورت ذیل ارائه کرد.

• براساس نتایجی که از پژوهش در خصوص «معماری ابنیه» باغ‌ها به دست می‌آید، در باغ‌مزارهای هند، پرداختن به ابنیه باغ نسبت به بخش‌های طبیعی آن در اولویت قرار دارد. در این روند ساختار باغ به گونه‌ای طراحی می‌شود که سایر عناصر باغ در جهت تأکید بر بنای اصلی (مقبره) و افزودن بر اهمیت آن به عنوان مهم‌ترین قسمت باغ به کار روند. در حقیقت پادشاهان و پدیدآورندگان این باغ‌ها، با نظم و شکوهی که در نظام فضایی و طراحی بناهای قرارگرفته در میان باغ لحاظ می‌کردند، درصدد نمایش قدرت و میزان تسلط خود بر منظر آشفته و پرهیاهوی هند بوده‌اند.

• بررسی تأثیر «ذوق و سلیقه هندی» بر باغ‌های ساخته شده در زمینه هند نشانگر این حقیقت است که باغ ایرانی، متأثر از ذوق هندی که سلیقه‌ای تزئین‌گرایانه را شامل می‌شود، دچار تغییراتی در صورت و عناصر ظاهری و نه عناصر ساختاری آن شده است. این تزئینات در اجزاء و عناصر سازنده باغ، از جمله طرح کاشت، تزئینات بنا، عناصر طبیعی (آب و درخت)، و همچنین تزئینات محوطه‌سازی، کف و لبه‌ها به چشم می‌خورد. حضور یک معماری پرطمطراق و پرزبور در باغ‌مزارهایی مانند «باغ‌مزار همایون»، «باغ‌مزار تاج محل» و «باغ‌مزار بی‌بی‌کا» نقشی اساسی در منظره‌سازی باغ‌ها داشته که خود گواهی بر نفوذ ذوق هندی در ایجاد منظر مزین و آراسته است.

• پژوهشی دیگر نمایان‌گر آن است که «سطوح سخت» باغ‌سازی در باغ‌مزارهای هند در مقایسه با نمونه‌های ایرانی نقش مهم‌تری را در منظر باغ ایفا کرده و منظرپردازی باغ را تحت تأثیر خود قرار داده است. از این‌رو، گستردگی سطوح سخت و نظم هندسی آنها، در کنار کم‌حجم‌بودن درختان باغ باعث می‌شود باغ‌های ایرانی در هند منظم‌تر از دیگر نمونه‌ها ادراک شوند.

• مطالعه در خصوص نقش «نظرگاه» در باغ‌های هند نشان می‌دهد، در این باغ‌ها برخلاف نمونه‌های ایرانی، جهت دید از نظرگاه چندان مطرح نیست و هدف از وجود نظرگاه، ایجاد دیدهای متفاوت در عرصه‌های مختلف باغ و نشان‌دادن نظام هندسی سامان‌یافته بر بستر باغ هندی است. همچنین استقرار نظرگاه در ارتفاعی نسبتاً زیاد از سطح زمین، موجب دیده‌شدن چشم‌انداز و رای دیوار باغ شده و این امر خود گویای تضاد میان هندسه داخل و طبیعت دست‌نخورده بیرون از آن است.

• پژوهش در خصوص نقش عنصر اساسی «آب» در باغ‌های

موجود در هند نشانگر آن است که تزئینات زیاد موجود در حوض‌ها با آب نسبتاً راکد و وجود فواره‌های متعدد، آب را تبدیل به یک عنصر تزئینی کرده و سبب‌شده حوض‌ها و جوی‌ها با تزئینات ظریف به عنوان بستر حضور آب حتی از خود عنصر آب هم مهم‌تر جلوه کنند. در واقع آب که در باغ‌های ایرانی نقشی نمادین و معنایی را در کنار جنبه عملکردی (آبیاری) خود داراست، در باغ‌سازی هندی تنها عنصری تزئینی به شمار می‌رود که جنبه زیبایی‌شناسانه آن مورد توجه است.

• آخرین پژوهش «انعکاس مفاهیم شیوه باغ‌سازی ایرانی در زمینه هند» را در هنر نگارگری آن سامان مورد کنکاش قرار داده است. محصوریت و در عین حال توجه به چشم‌انداز و رای حصار باغ، عظمت‌گرایی کوشک داخل باغ با قرارگیری بر روی صفا، پوشش گیاهی پیرایش‌شده در فضای داخلی باغ، حاکمیت هندسه و نظمی انسان‌گرا در باغ، ویژگی‌هایی هستند که باغ‌ساز هندی آن را مورد ملاحظه قرار داده است و به نظر می‌رسد نگارگر هندی نیز بر همان عناصری صحنه می‌گذارد که پیشتر باغ‌ساز هندی بر آنها تأکید ورزیده است. نگارگری در دربار گورکانی به رغم بهره‌مندی از حضور نگارگران ایرانی نتوانسته در مقابل نوع نگاه حاکمان مقاومت کند و فضاهای بهشت‌گونه و آرمانی باغ در نگاره‌های ایرانی جای خود را به تعریفی عظمت‌گرا و انسان‌محور از باغ داده است.

بررسی‌های فوق، زوایای گوناگون شکلی و معنایی کلیت باغ‌های ایرانی هند و عناصر سازنده آن را با نمونه‌های داخلی آن مقایسه می‌کند. یک سوی این قیاس باغ ایرانی است که طبیعت‌گرایی و توجه کالبدی و معنایی به عناصر طبیعت از جمله اصول مهم آن است. این امر در آثار باغ‌سازی و معماری پیش از اسلام و دوره اسلامی ایران به شکل‌های متفاوت نمود یافته است و ریشه و بنیاد آن را می‌بایست در جهان‌بینی فرهنگ و تمدن ایرانی و آموزه‌های اسلامی جستجو کرد. "ایرانی‌ها از قدیم‌الایام به ساختن باغ و باغچه در حیاط‌ها و دور و بر بناها علاقه خاصی داشته‌اند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشأ این علاقه بوده است" (پیرنیا، ۱۳۷۳). باغ ایرانی فضایی طبیعت‌گراست که در آن عناصر طبیعت به صورت نمادین و آرمانی حضور دارند و زمینه تعامل انسان و طبیعت را فراهم می‌کند. اما در سوی دیگر، همین باغ با ورود به زمینه متفاوت هندوستان و تحت تسلط کاربران جدید، تن به ایجاد تغییراتی در شکل و مفاهیم خود داده است. در این میان اگرچه تفاوت‌های کالبدی موجود میان این باغ‌ها و نمونه‌های ایرانی آن در چشم ناظر رخ می‌نماید، لیکن این تغییر در لایه‌های زیرین خود حاکی از بروز مفاهیمی متفاوت است که هویت این پدیده را تحت تأثیر قرار داده و آن را از آن‌چه حاصل جهان‌بینی و فرهنگ انسان ایرانی خوانده شد، متمایز می‌کند. بر این اساس باغ هندی، محصولی است که به کمک فاتحان و حاکمان مسلمان هند می‌آید تا سیطره و تسلط آنها بر سرزمین

جمع‌بندی

- باغ ایرانی که نمادی از هستی‌شناسی انسان ایرانی است، پس از ورود به زمینه جدید هند، در شکل و مفاهیم خود دچار تغییر شده است.
- باغ ایرانی نمادی با اهمیت از حضور تمدن و آیین حاکمان غیربومی در زمینه هند بوده و ایجاد تحول در کانسپت باغ در همین راستا قابل ارزیابی است.
- روند تحولات به‌گونه‌ای است که مفهوم طبیعت‌گرایانه باغ جای خود را به حضور و تسلط انسان در طراحی فضا داده است.
- شاکله و مفهوم هریک از اجزاء و عناصر باغ متناسب با تغییر در کلیت باغ تغییر یافته و در واقع ایجاد مفهوم جدید در باغ هندی حاصل تغییر نقش هریک از اجزاء است.
- علی‌رغم مشاهده تغییرات شکلی و محتوایی در اجزاء و عناصر باغ‌های ایرانی هند که به تغییر مفهوم باغ انجامیده، ساختار و استخوان‌بندی باغ همچنان قابل مقایسه با نمونه‌های اصلی خود است. به عبارت دیگر نمونه‌های موجود در هندوستان همچنان به عنوان گونه‌ای از «باغ‌های ایرانی» قابل شناسایی هستند.

تازه را تثبیت کند. "باغ‌هایی که زمانی به بابر برای تطبیق یافتن با سرزمین‌های خارجی کمک کرده بود، نقشی ویژه در سرزمین رو به گسترش گورکانی پیدا کرد" (Wescoat, 1985: 51-57). این باغ، نمادی از نظم، منطق و قدرت حاکمیت تمدن و دین جدید است و در عین حال هرآنچه را که باید از نشانه‌های تمدن و هنر بومی زمینه خود داشته باشد تا به عنوان پدیده‌ای فاخر و سرآمد آثار موجود در سرزمین هند جلوه‌گر شود، در خود دارد. "مقبره همایون در دهلی به نوعی بازگشت به مقیاس بزرگ بناهای سمرقند است. در حالی که تا آن زمان نه در آسیای مرکزی و نه در ایران، هیچ‌گاه چنین ترکیبی از یک باغ و آرامگاه عظیم دیده نشده بود" (Michell & Pasricha, 2011: 20). این بدان معناست که برای اولین بار فضای باغ ایرانی تحت تأثیر بنای باشکوه داخل آن قرار گرفته است.

در نهایت باید گفت، هرچند باغ ایرانی فی‌نفسه منظری انسان‌ساخت و نشانگر مداخله انسان در طبیعت است، لیکن گزاره‌های فوق به گونه‌ای از تغییرات اشاره دارند که باغ ساخته‌شده در هند را فضایی کاملاً سامان‌یافته با تأکید زیاد بر نشانه‌های نظم انسان‌ساخت در مقایسه با جنبه‌های طبیعت‌گرایانه باغ ایرانی جلوه‌گر می‌کنند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت باغ ایرانی به عنوان محصولی کامل که حاصل ادراک انسان ایرانی از جهان و عناصر طبیعت است، مورد توجه جانشینان تیمور قرار گرفته و همراه با آنان وارد سرزمین هندوستان شده است. شاهان گورکانی، باغ ایرانی را که از سویی حس طبیعت‌گرایی آبا و اجدادی آنان را ارضاء می‌کرد و از سوی دیگر نمادی از شکوه تمدن اسلامی بود به عناوین مختلف در بسیاری از سرزمین‌های زیر سلطه خود مورد استفاده قرار دادند. در این فرایند مفاهیم طبیعت‌گرایانه باغ ایرانی دچار تغییراتی شده و میزبانان جدید این محصول را مطابق با زمینه اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی خود و در جهت برآوردن خواسته‌هایشان مورد توجه قرار دادند که بالطبع باعث ایجاد ادراک جدیدی نسبت به این پدیده شد.

اساس این ادراک جدید، نگرش نظم‌محور به موضوع باغ و ساخت آن به مثابه یک اثر معماری به جای یک طراحی منظر است. به عبارت دیگر، هدف از باغسازی به شیوه ایرانی در سرزمین هند ایجاد فضایی طرب‌انگیز برای تعامل انسان و طبیعت و منظره‌پردازی مرتبط با زیبایی‌شناسی ایرانی نبوده است، بلکه باغ ایرانی در هند محصولی است که زمینه نامنظم هند را نظم بخشیده و ساماندهی می‌کند. عناصر طبیعت در این باغ مقهور وجوه انسانی باغ شده تا در نهایت فضای باغ نه جلوه‌ای از طبیعت‌گزینش‌شده، بلکه فضایی انسان‌ساخت باشد که عناصر طبیعت به صورت تزئینی و آرایه‌ای در آن حضور دارند.

پی‌نوشت

۱. تیموریان اعقاب تیمور (۱۴۰۵-۱۳۳۶ میلادی) بودند که هند را فتح کرده و از سال ۱۵۲۶ تا ۱۸۴۸ میلادی در آن حکمرانی کردند.

فهرست منابع

- انصاری، مجتبی. (۱۳۸۹). باغ ایرانی، زبان مشترک منظر در ایران و هند. مجله منظر، ۳ (۱۳): ۱۱-۶.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۳). باغ‌های ایرانی. مجله آبادی، ۴ (۱۵): ۴.
- دیبا، داراب و انصاری، مجتبی. (۱۳۷۴). باغ ایرانی. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد ۲). تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور: ۲۵-۴۲.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. مجله باغ نظر، ۱ (۳): ۶۳-۵۸.
- Michell, G. & Pasricha, A. (2011). *Mughal Architecture & Gardens*. Mumbai: The Shoestring Publisher.
- Wescoat, J.L. (2010). *Mughal gardens and geographic sciences (then and now)*. In *Gardens in the Time of the Great Muslim Empires: Theory and Design*, edited by Attilio Petruccioli, 187-202. Leiden; New York: E.J. Brill.